

مروری بر

انقلاب اسلامی ایران

(اسباب، احواف و آفات)

در بیان و آثار امام خمینی «ره»

محمدرضا اسلامی

مؤسسه آموزش عالی حکیم جرجانی گرگان

سرشناسه: اسلامی، محمدرضا، ۱۳۳۴ -

شناسه افزوده: موسسه آموزش عالی حکیم جرجانی گرگان

عنوان و نام پدیدآور: مروری بر انقلاب اسلامی ایران: (اسباب، اهداف و افات) در بیان و آثار امام خمینی «ره» / محمدرضا اسلامی؛ [از

مجموعه فعالیت‌های پژوهشی] موسسه آموزش عالی حکیم جرجانی گرگان.

مشخصات نشر: گوغان: بیک، ریحان، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۲۸۰ص.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۷۹ - ۲۸۲؛ همچنین به صورت زیر نویس.

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- نقد و تفسیر

موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۸ - ۱۳۷۹.

موضوع: Khomeyni, Ruhollah, Leader and Founder of IRI

موضوع: حکومت دینی

Polity (Religion) : موضوع

Iran -- History -- Islamic Revolution, 1979 -- Criticism and interpretation: **موقع**

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- علل

Iran -- History -- Islamic Revolution, 1979 -- Causes

موضوع: ایران -- شاهان و فرمانروایان -- تاریخ

Iran -- Kings and rulers-- History: موع

ده بندی دیویی: ۸۳/۹۵۵.

ردیف دی کنگره: DSR/۱۵۵۳/الف ۴۱۳۹۶

ضعیفہ فہرست نویسی: فیفا

شایک: ۹-۲، ۱۴۸-۶۰۰-۹۷۸-۱۵۵۰۰۰ ریال

شماره کتابشناختی: ۴۷۶۹۳۲۸

مروری بر انقلاب اسلامی ایران

(اسباب، اهداف و آفات)

در بیان و آثار امام خمینی (ره)

تالیف محمد رضا اسلامی

از مجموعه فعالیت‌های پژوهشی مؤسسه آموزش عالی غیردولتی حکیم بزرگانی گران

نشر بیك ریحان گر گان / چاپ اول / ۱۳۹۷

قطع وزیری / ۲۸۰ صفحه

شاہک: ۹-۸۳-۷۴۸۷-۶۰۰-۹۷۸

چاپ و صحافہ: خورشید (۰۹۱۱۳۷۰۲۵۳۵)

قیمت: ۱۹۵۰۰ تومان

دارای مجوز انتشار به شماره ۴۵۲ مورخ ۹۷/۴/۲۶ از موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)

فهرست:

۱۱	 مقدمه
۲۵	 پیشگفتار
۲۵	 ۱- شناخت زمان
۲۶	 ۲- شناخت تاریخ و حوادث تاریخی دورونزدیک آن
۲۸	 ۳- شناخت تفکر و اندیشه‌های معاصر
۳۰	 ۴- شناخت دینان
۲۳	 فصل اول
۳۳	 واژه‌ها، تعریف و تبیین
۳۳	 ۱- انقلاب
۳۴	 تعاریف انقلاب
۳۶	 انقلاب دردوچنبه عمل و تئوریک
۳۷	 کاربردهای متفاوت واژه انقلاب
۳۸	 ماهیات و ابعاد انقلاب
۴۲	 ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران
۴۴	 ۲- واژه نهضت
۴۵	 ۳- واژه شورش: (Revolt)
۴۵	 ۴- واژه کودتا: (Etut d Coup)
۴۶	 ۵- واژه اصلاح
۴۶	 تفاوت اصلاح و انقلاب
۴۷	 اصلاح طلبی (Reformism)
۴۷	 الف: «ارتجاع» یا «گذشته گرانی» و «واپسگرانی»
۴۷	 ب: محافظه کاری (conservatism)
۴۸	 اصلاح طلبی در اسلام
۴۹	 اصول اصلاحات در اسلام
۶۰	 اصلاحات در نظام سیاسی
۶۰	 ۱- شایسته سالاری

۶۳	آسیب‌های نظری و معرفتی اصلاحات
۶۴	شرایط مصلحان
۶۵	فصل دوم
۶۵	زمینه‌ها و عوامل شکل دهنده انقلاب اسلامی ایران
۶۶	الف: چه بودیم؟
۶۷	دودمان‌های دوران باستان
۶۷	ایرانیان در آغاز نفوذ اسلام
۶۹	دودمان‌های ساسانی از اسلام
۷۴	اسباب، تفرع و انقلاب
۷۶	ب: چه کردیم؟
۷۷	ج: چه شدیم؟
۸۰	ضمیمه ۱ فصل دوم
۸۸	ضمیمه ۲ فصل دوم
۸۸	توضیح مختصری در مورد برخی در زمان‌های حاکم بر ایران
۸۸	مادها:
۸۹	هخامنشیان:
۸۹	اشکانیان:
۹۰	ساسانیان:
۹۱	طاهریان:
۹۲	سامانیان:
۹۲	آل بویه:
۹۳	آل زیاری:
۹۳	غزنویان:
۹۴	سلجوقیان:
۹۴	خوارزمشاهیان:
۹۵	ایلخانان:
۹۵	گورکانیان:
۹۶	صفویه:
۹۷	افشاریه:

۹۷		زندیه:
۹۷		قاجاریه:
۹۹		فصل سوم
۹۹		عناصر و عوامل تحول فکری مردم ایران در گرایش به وقوع انقلاب اسلامی
۱۰۷		عوامل شکل گیری انقلاب اسلامی ایران
۱۱۳		مبدا انقلاب اسلامی
۱۱۴		دیدگاه اول
۱۱۴		دیدگاه دوم
۱۱۴		دیدگاه سوم
۱۱۵		دیدگاه چهارم
۱۱۵		دیدگاه پنجم
۱۱۷		فصل چهارم
۱۱۷		اهداف انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی (ره)
۱۲۰		۱- اهداف سیاسی
۱۲۰		الف: مبارزه دائمی با قدرتهای استکبار و منقطع لطمه آنان
۱۲۱		ب: صدور انقلاب و ارزشهای آن به کشورهای اسلامی و جهان
۱۲۲		ج: بیداری ملت ها
۱۲۳		ه: عدم پذیرش سیادت قدرت های استعماری
۱۲۳		و: رعایت و حفظ همیشگی سیاست بین المللی اسلام
۱۲۴		ز: نهراسیدن از دشمن
۱۲۵		ح: حمایت از محرومان و متضعان
۱۲۵		۲- اهداف فرهنگی
۱۲۶		الف: اصلاح فرهنگ، استقلال فرهنگی و خود باوری در سایه فرهنگ
۱۲۶		ب: ابهام زدائی و ترویج و توسعه وجهه رحمانی و انسانی فرهنگ اسلام
۱۲۷		ج: احیای هویت مسلمین، با توجه به قدرت برتر اسلام
۱۲۸		د: تحول و توسعه فرهنگ اسلام در جهان
۱۲۸		ه: عدم سازش با ظالمان
۱۲۹		و: دفاع از ارزشها، به ویژه ارزشهای دینی و معنوی
۱۳۰		۳- اهداف اقتصادی

۱۳۰	الف: عدالت اجتماعی
۱۳۱	ب: تأمین امنیت مالی و اقتصادی جامعه
۱۳۱	ج: نفی وابستگی و استقلال اقتصادی
۱۳۳	هشدارهای قرآنی به جنگ روانی دشمنان
۱۳۷	مؤلفه‌های انقلاب اسلامی ایران
۱۳۹	فصل پنجم
۱۳۹	ضرورت آسیب شناسی انقلاب
۱۴۱	آسیب‌ها و آفات انقلاب اسلامی ایران
۱۴۵	فصل ۱: عتاب بودن قانون اساسی در کلام امام خمینی (ره)
۱۴۷	امام و حاکمیت قانون
۱۴۹	هر نوع قانون از بی‌قانونی بهتر است
۱۵۰	هدف قانون
۱۵۰	همه در برابر قانون برابرند
۱۵۲	قانون در رأس همه امور
۱۵۲	قانون شکنی‌ها؛ منشأ اختلافات
۱۵۳	شکست نتیجه بی‌قانونی
۱۷۲	دخالت در امور خصوصی مردم و تجسس در امور شخصیه حریم خصوصی و نقیض عقاید
۱۷۷	فصل ششم
۱۷۷	سیاست و مدیریت، جامعه در اسلام
۱۸۳	اولویت‌های سیاست کردن در جهان بینی اسلامی
۱۸۷	سیاست مطلوب
۱۸۹	فصل هفتم
۱۸۹	حکومت، براساس دانش، حکمت، مصلحت
۱۹۱	ضرورت حکومت
۱۹۴	نگرش‌های حکومتی در تاریخ
۱۹۴	۱- قدرتمندان و پادشاهان
۱۹۷	۲- فلاسفه و حکما
۱۹۹	دیدگاه فلاسفه اسلامی:
۲۰۰	۳- پیامبران و اولیاء خدا

۲۰۰	شرایط حکومت حاکمان در منطق الهی
۲۰۲	رازبخت در باور انبیاء
۲۰۵	جمهوریت
۲۰۶	جمهوری اسلامی
۲۱۱	ارکان نظام و شیوه انتخاب در جمهوری اسلامی
۲۱۵	اهداف تشکیل جمهوری اسلامی
۲۱۶	مقبولیت و مشروعیت
۲۲۰	تعبیر حکومت در اسلام
۲۲۲	مقصود از اطاعت در ولایت مطلقه فقیه
۲۳۹	مشروعیت مردمی یا مردم سالاری
۲۴۱	سازگاری نظریه مردم سالاری با عقاید و آرای امام خمینی (ره)
۲۴۲	نظریه جمهوری اسلامی یا مردم سالاری اسلامی
۲۴۵	مفهوم رهبری دینی، رهبری امامان مذهب است درهمه شؤون جامعه
۲۴۸	امام خمینی (ره) و مردم سالاری دینی
۲۴۸	اول-آگاهی و بینش سیاسی
۲۴۹	دوم-آگاهی و آزادی
۲۵۲	الف: آزادی اندیشه و بیان
۲۵۳	ب: آزادی مطبوعات
۲۵۳	ج: آزادی رادیو و تلویزیون
۲۵۴	د: آزادی احزاب و تجمعات سیاسی
۲۵۶	سوم-آگاهی و اعتبار
۲۵۷	چهارم-آگاهی و نفی انحصار
۲۵۸	پنجم-آگاهی و ارشاد
۲۵۹	نظارت مردمی بر حکومت حاکمان
۲۶۰	حکومت دینی
۲۶۵	فصل هشتم
۲۶۵	هدف غائی از تشکیل حکومت
۲۶۶	معنی و مفهوم بیت المال
۲۶۶	چرا امام علی علیه السلام- حکومت را پذیرفت؟

۲۷۱		برنامه مدیریتی امام علی - علیه السلام - در بیت المال
۲۷۳		حراست بیت المال
۲۷۸		منابع و مأخذ

www.ketab.ir

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ بَقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرَ أَمَامَهُمْ»^۱

تا نگردد حال قومی زیرورو کی بتابد فیض حق ناگه برو

«م. ف»

تاریخ بشر مملو از تغییر و تحول اجتماعی و طبیعی است و بطور مستمر تداوم خواهد داشت. زیرا هیچگاه تحولات زمانه بیگانه از گذشته نمی باشد و تحرکات قبلی بستر و زمینه تحرکات بعدی و آینده خواهند بود و انقلاب اسلامی ما هیچ وقت از این قاعده مستثنی نمی تواند باشد. بنابراین حوادث متغیر زمان در اندیشه و نوع اندیشیدن تغییراتی بوجود می آورد که در نتیجه تفسیر اصول را دشوار می سازد و اجتهادهای گوناگون پدید می آورد. البته خود تغییر پدید اجتماعی به نوبه خود از سستهای مسلم و تغییر ناپذیر الهی است که تطور و تکامل را بازگی و نشاط و زیبایی زندگی انسان و حتی حاکمیت حق و باطل به آن وابسته است به عبارت دیگر تمام تحولات مذهبی و فلسفی و سیاسی و فکری... بشری در طول تاریخ به آن مستند است.

بنابراین پر واضح است که تحولات تاریخی اعم از اجتماعی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی... جز از طریق انقلاب ممکن نیست و انقلاب هم به نوبه خود نمی تواند یک تغییر دفعی و ناگهانی باشد، زیرا در آن صورت نمی تواند دایمی باشد. به عبارت دیگر این انقلاب اجتماعی از دید تحلیلی، رفتاری خلق الساعه نیست که بتوان آنرا بصورت پدیده های مجزا و منفک از گذشته بررسی کرد بلکه در طی زمان در یک نظام متقابل شکل می گیرد.

با توجه به آیه فوق مکانیسم وقوع انقلاب از طریق تغییر و تحول در افکار و اندیشه ها است، به عبارت دیگر نمی توان اندیشه و تفکر انقلاب را از جایی وارد کرد و یا تقلید نمود بلکه باید از چشمه درون ملت بجوشد.

۱- رعد ۱۱، ارسطو: مردم وقتی که بایکدیگر مجتمع اند افکار ایشان مکمل یکدیگر می گردد. تاریخ فلسفه سیاسی

آیت الله شهید سید محمد باقر صدر (ره) می‌فرماید: ...انقلاب علاوه بر اینکه مسبوق به اندیشه و آرمان است، به اراده و عمل یک ملت نیز بستگی دارد و هنگامی از حوزه اندیشه تفکر به صحنه عمل و اجتماع جریان می‌یابد که اراده و خواست یکپارچه ملت پشت سر آن باشد.^۱

یعنی هر انقلابی مسبوق به نظامی از اندیشه و تفکر است که پشتوانه نظری و فکری آن انقلاب به شمار می‌رود.

تجربه تاریخی انقلاب‌های مهم دنیا نیز مؤید آن است که قبل از وقوع هر انقلابی، باید طی یک تأمل نظری و فلسفی، ضمن طرد و نفی نظام موجود، یک مکتب فکری جدید به وجود آید که تعریف جدیدی از جامعه و انسان ارائه دهد.^۲ «در هر انقلابی، مکتب فکری و ایدئولوژی انقلاب است که روشن می‌کند چگونه باید نظام سیاسی موجود را تخریب کرد و تغییر داد و بعداً چه چیزی را جایگزین آن کرد؟»^۳

به طور کلی ماهیت تحول زایی و بی‌فرای انسان که یک امر درونی (یعنی همان اندیشه و تفکر و اراده) است نسبت به وضعیت متعادل سکون و رکود و یا استعماری حاکم بر جامعه، سیاستمداران، استعمارگر را بجای آوردن در اندیشه بهره‌وری از این روحیات انداخت که آنها بسمت و سوی منابع خود هدایت کنند، تا هم به آمال خود رسند و هم انسانهای خوش باور توده را در دوزخ غفلت نگاه دارند به این علت دهها سال است که فیلسوفان و متفکران مؤمن به تمدن تکنولوژی غرب را به تلاش و اشتغال داشتند که تا «تنوری انقلاب» را نفی کنند و معترضان را به «اصلاح» حواله دهند.

و اما اگر ما به اصل «الْإِسْلَامُ يَعْلَمُ وَلَا يُعْلَى عَلَيْهِ» به عنوان یک تفکر و اندیشه اعتقاد داریم نباید تفسیر و تأویل متفکران غرب زده را باور کرده و در برابر باورهای وارداتی

۱- تفسیر موضوعی ستهای تاریخ در قرآن، ترجمه سید جمال موسوی، ص ۱۷۰.

۲- تأملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، ج ۱، ص ۱۹۶، نقل از مرحوم مهندس مهدی بازرگان.

۳- تأملات سیاسی در تاریخ تفکر اسلامی، ج ۱، ص ۱۹۸، نقل از کتاب تحلیلی بر انقلاب اسلامی، دکتر منوچهر محمدی، ص ۴۶-۴۷.

غرب سپر انداخته و تحفه‌های سیاسی و فرهنگی به اصطلاح متفکران و اندیشمندان اروپایی و آمریکایی را به منزله‌ی وحی مُنزل پذیرفته و تازه با تأویل و تفسیر به خود به قبولانیم که سوت قطار تمدن، همه‌ی اهالی دهکده جهانی را به یک سو می‌برد و هرکس سوار نشود حتماً مرتجع و اُمَل و توسعه نیافته است.

غرب در کمند تناقض‌ها

با توجه به تحولی که در پایان قرن بیستم در مشرق زمین شکل گرفت دنیای غرب را وادار کرده تا علاوه بر ملت‌ها دست به تحریف‌های فرهنگی و اعتقادی و یا نظامی‌بزند و آن تحول عبارت از بازگشت به فطرت خودباوری و اعتماد به نفس و اسلام خواهی جامعه مسلمانان است و به نوبه احتمال شکل‌گیری یک تمدن اسلامی ایرانی که با تمدن دنیای اسلام متحد شده و یک قدرت بزرگ جهانی را پدید آورند که خود تهدیدکننده تمام خواب‌ها و تعادل غرب‌های غرب می‌باشد، و همچنین مناسبات و معادلات فرهنگی و سیاسی و خودباوری، یعنی فریاد همیشگی سید جمال الدین اسد آبادی و دکتر محمد اقبال... و امام خمینی (ره) بسبب شده تا غرب در گرداب تناقض‌هایی فرو رود و انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) آغاز بازتاب‌های ملتهای در بند تناقض‌های تمدن غرب است و نوید دهنده‌ی آزادی بشریت از قیدوبند تمدن تکنولوژیک و آغاز قرن جدید می‌باشد زیرا تناقض‌های موجود در تمدن می‌تواند زمینه‌های قیام و یا انقلابی محکم و مرصوص را پی‌ریزی نماید.^۱

بهر حال تمدن امروزه غرب ذاتاً گرفتار تناقض است و از زمره جدی‌ترین این تناقض‌ها آن است که بشر متمدن از هیچ انتخابی برخوردار نیست، اما جامعه محیط بر خویش را باز و آزاد می‌انگارد. کافکا^۲ راست می‌گوید: لازمه عمل مسؤلانه آزادی است و در جهان

۱- برگرفته از مجموعه نوشته‌های شهید آوینی

۲- فرانتس کافکا (۱۸۸۳م، ۱۹۲۴م) یکی از بزرگترین نویسندگان آلمانی زبان قرن بیستم است که آثار او در زمره تأثیر گذارترین آثار ادبیات غرب بشمار می‌آیند.

کنونی، انسان با زنجیر به دنیا می‌آید. زنجیرهایی نادیدنی که او را خواه ناخواه و بی‌آنکه بداند به سوی غایاتی که ملازم با تمدن کنونی است، می‌کشانند. این تناقض هنگامی خود را به صورت تام و تمام نشان می‌دهد که بدانیم همین بشری که جامعه محیط بر خود را «باز» می‌داند و به تقدیس آزادی روی می‌آورد، در هیچ یک از ادوار حیات خویش بر کره زمین تا این اندازه که امروز هست، اسیر و برده نبوده است؛ نه فقط برده نفس اماره خویش بلکه زندانی تمدنی که افراد بشر را از گهواره تا گور به بند کشیده است.

جهان امروز جهانی است که آلدوس هاکسلی^۱ در «دنیای متهور نو» تصویر کرده است، آنچه موجب شد، تا بنا بر نتواند بر این واقعیت آگاه شود و اسارت خفت بار و ذلیلانه و بسیار وحشت آورده‌اش را نسبت به جهان بیرون در یابد همین نظام صنعتی جابرانه و بی‌رحمی است که با دقتی تقریباً مطلق و شیوه‌های انتزاعی سیطره خویش را بر حیات انسان گسترانده است. تکنولوژی، به عنوان یکی کاملاً فرهنگی دارد و هرچه به سوی خودکاری، اتوماسیون، بیشتر حرکت کند بیشتر و بیشتر از صورت ابزار خارج می‌شود و جز به استخدام فرهنگ غرب در نمی‌آید.

یکی دیگر از این تناقض‌ها، «دموکراسی است، دموکراسی به مفهوم» حکومت مردم است اما در عمل، حتی در بهترین نمونه‌های حکومت دموکراسی، حقوق اساسی نقاب‌پوشی است که در پس آن ثروتمندان پنهان شده اند اشیپنگلر می‌گوید: «اگر در میان برداران دموکراسی نفوس مقتدری وجود نداشت، موضوع دموکراسی فقط در درون دله‌ها و روی کاغذ باقی می‌ماند. در نزد این نفوس مقتدر، ملت فقط میدانی است برای اعمال قدرت و عقاید و ایدئال‌ها وسیله ای است برای بدست آوردن آن.»

دموکراسی، یکی دیگر از تناقض‌هایی است که در ذات تمدن غربی وجود داشته و اکنون آشکار شده است، تصور دموکراسی یعنی حکومت مردم بسیار فریبنده و جذاب

۱- آلدوس لنونارد هاکسلی (۱۸۹۴م، ۱۹۶۳م) نویسنده و فیلسوف بریتانیایی، یک انسان گرا، صلح جو و هجو نویس بود.

است اما در عمل، همواره قلیلی از مردم، با استفاده از ریاکاری و مردم فریبی حکومت را بدست می گیرند.

اشپنگلر^۱ می گوید: «همان طور که در قرن نوزدهم تاج و عصای سلطنتی را وسیله ظاهرسازی و نمایش ساختند، اینک، حقوق ملت را در مقابل انبوه مردم، سان می دهند... پول و تزویر، جریان انتخابات را اداره می کند و آن را به نفع پولداران خاتمه می دهد و جریان انتخابات، به صورت یک بازی ساختگی در خواهد آمد که تحت عنوان اخذ تصمیم ملت به معرض نمایش عمومی گذارده می شود...»^۲

دموکراسی نمی تواند به صورت یک ایدئولوژی حکومتی در آید چرا که همواره در عمل، به چیزی متناقض با مفهوم اصلی خویش مبدل خواهد شد، یعنی در درون دموکراسی، وقتی کار به تشکیل حکومت می کشد امری ناقص «حکومت مردم» وجود دارد چرا که مفهوم «مردم» در حقیقت عمل، مصادیق بسیار خواهند گرفت و قدرت را مصادره به مطلوب خواهند کرد که پشت از ثروت و نفوذ برخوردار هستند، نمونه های تحقق یافته دموکراسی به فعالیت مشغول است. شاهکار خود را چنان به خوبی انجام داده که حتی وقتی مردم را به شدیدترین وضعی به فیدل بقیت و بردگی می کشد، اینان به قدری اغفال شده اند که تصور میکنند معنی آزادی همین است و هرچه طوق اسارت تنگتر می شود به نظر مردم چنین می رسد که دایره وسیعتر سند است.^۳

آری تناقض های، تمدن صنعتی، و فرهنگ و هنر و دانش متکی و متکی بر «البرالیزم» فلسفی که مدت سه قرن بر سرتاسر زندگی انسان ها، سایه افکنده بود و هرگونه «ترقی» و پیشرفت و «کمال» را در کنار نیستی و تحقیر و بی ارج و قرب نمودن «معنویت» و «ارزش های قدسی» قابل دسترسی می دانست؛ جهنم سوزانی را در سازمان روانی بشر،

۱- اسوالد اشپنگلر (۱۹۳۶-۱۸۸۰ میلادی) انحطاط غرب، فلسفه سیاست، ترجمه هدایت آ...، فروهر، ص ۷۹ و ۹۴.

۲- همان

۳- همان

خلق کرده بود که جز «زشتی و اندوه و یأس» هیچ میوه آتشین دیگری نداشت. هنگامی که بنیاد و ریشه «معنویت» و «قدسیت» در فلسفه هستی تاریخی انسان، با تبیین دانش و تجربه علم و تحقیق علمی؛ گردن زده شود، سرمای کشنده آن نه تنها بر شرایط فعلی زندگی انسان‌ها نمی‌وزد، بلکه به اعماق تاریخ فرهنگ و اندیشه هجوم می‌برد. در سر راه خویش، همه میراث زیبا و ثروت‌های جاودانه آسمانی را، ذوب و نابود می‌کند و جز، یادگاری از «اندوه» و «تلخی» در سرتاسر تاریخ، هیچ چیز دیگری، بجا نمی‌گذارد. چنانچه، دیدیم تفسیر لیبرالیستی تاریخ، جز این حقیقت جهنمی دیگر نبود.^۱ در روزگار حاضر نظریه‌ی دیگری توسط «فرانسیس فوکویاما»^۲ در باب پایان تاریخ در کتابی تحت عنوان «انسان و آخرین انسان»^۳ ارایه شده است و می‌گوید: «در حال حاضر انسان به دوران پایان تاریخ خود رسیده است. بدین معنا که آدمیان همه‌ی نظام‌های سیاسی را تجربه کرده‌اند. نظامات سیاسی - اجتماعی مختلفی را که می‌توانستند پی افکنند و بیازمایند، آزموده‌اند و اکنون به نظامی از نظامات سیاسی - اجتماعی رسیده‌اند که از این پس باید در دل همین نظام زندگی کنند و تحولات آینده، دگر چنان نخواهد بود که چارچوب‌های این نظام را بشکند و التماس‌گویی رخ دهد، آن تحول به کمال و استحکام همین نظام منتهی خواهد شد. نظام فوکویاما نظام لیبرال دموکراسی حاکم بر کشورهای اروپای غربی و آمریکاست.»

پس، آشکار بود که چنین شرایط زشتی در سازمان فرهنگ ارزش‌های جامعه جهانی، هنگامی که دعوت به سوی پروردگار از طرف جامعه معنویت‌خواه ایرانی و امام فرهیخته باروح الهی و آسمانی و زیبایی دوستش در جغرافیای رسانه‌های جهان، مطرح شود، پاسخ مثبت گویند و ارزشهای قدسی را به زندگی پایان قرن بیستم، به گردش درآورند تا بتوانند

۱- شهید سیدمرتضی آوینی، ماهنامه صبح، ۱۳۷۶.

۲- یوشی هیرو فرانسیس فوکویاما متولد ۱۹۵۲م، فیلسوف آمریکایی، متخصص اقتصاد سیاسی و نویسنده کتاب پایان تاریخ و آخرین انسان، به خاطر نظریه پردازی پایان تاریخ مشهور است.

۳- francis fukuyama, the end of history and the last man (London: Hamish Hamilton, 1992).

نگاه و بینایی اسیر شده در زندان تاریک «لیبرالیسم» را، نجات دهند و زیبایی از دست رفته را، دوباره حیات بخشند، زیرا که حاکمیت و ولایت «زیبایی» و «معنویت» و «قدسیت» اصلی‌ترین ضرورت باطنی و عاطفی تاریخ آینده خواهد بود.^۱

با توجه به بیداری مسلمانان و انسان‌های دربند و زنجیر تمدن غرب بویژه در طول یکصد و پنجاه سال اخیر در برخی از سرزمین‌های اسلامی نهضت‌هایی ریشه دوانیده که هر یک از آنها در مقیاس جامعه خود تأثیراتی به جای گذاشته‌اند، آثار بعضی از این نهضت‌ها بسته به ویژگی‌های هر یک گذرا یا پایا بوده‌اند مانند:

حرکت خلافت مسلمانان هند، نهضت تنباکو در ایران، حرکت اخوان المسلمین، قیام مسلمانان آناتولی در برابر غرب پس از جنگ جهانی اول، خیزش شیخ سعید پالوی (کردی) علیه رژیم لائیک ترکیه، حرکت اسلامی در افغانستان، تنش‌های مسلمانان سمرقند و بخارا (در اوایل سده بیستم میلادی)، قیام الجزایر به رهبری امیر عبدالقادر و حاج عمر درگینه و عمر مختار در لیبی و ادیسیا در یمن و عربی در مغرب و سوکیان در نیجریه و مبارزان شیعه در عراق و لبنان، نهضت‌هایی هستند که بعضاً بطور کامل عقیم مانده و دسته‌ای از آنها به موفقیت‌های نه چندان چشمگیری دست یافته‌اند.

قیام‌هایی که در کشور ما- ایران- به وقوع پیوسته نتیجه مشابهی با آنچه در برخی ممالک اسلامی شاهد آن بوده‌ایم داشته است. تنها تجربه موفق، پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی است که بدون الگو برداری از نهضت‌های دو قرن اخیر و صرفاً با اتکا به ویژگی‌های خاص خود به پیروزی رسد.

پیروزی عظیم و خیره کننده انقلاب اسلامی با وجود حمایت‌های همه جانبه شرق و غرب از رژیم وابسته حاکم بر ایران، در حقیقت یکی از رخدادهای شگفت انگیز تاریخ

۱- علمای جامعه شناسی می‌گویند: همانطور که فرد دارای روح است جامعه هم دارای روح است، هر جامعه‌ای دارای فرهنگی است که آن فرهنگ روح جامعه را تشکیل می‌دهد، اگر کسی در نهضتی بتواند بر روی آن روح انگشت بگذارد و آنرا زنده کند، خواهد توانست تمام اندام جامعه را یکجا بحرکت درآورد. شهید مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۵۵.

معاصر است، این - حرکت مقدس و تاریخ ساز چنان سریع و غیرقابل پیش بینی بود که به گفته یکی از اندیشمندان؛ (شرق را حیرت زده کرد و غرب را به لرسزه درآورد) و در اوضاع و احوالی شکل گرفت که به زعم اکثر نظریه پردازان، روزگار «دین» و حاکمیت دینی سپری شده بود! این باصطلاح متفکران نظریه پرداز، دین را «غول مرده» یا عظمت فراموش شده ترسیم و تعریف می کردند.

انقلاب اسلامی ایران و احیاء تفکر دینی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران علاوه بر بیداری، حیات مجدد و احیاء تفکر دینی را، پس از قرن ها تلاش برای امحاء دین، بشارت می داد و در مقابل شکست «تئوری ها» و مکانیسمی را به نمایش می گذاشت که معتقد بودن نیازی به خداوند و اخلاق دینی نیست، با این پیروزی برق آسا برداشته می شد. هتک در گرفت و در حقیقت آغاز پیروزی انقلاب، آغاز تزلزل بسیار شدید در انسان و مبانی تفکر و تمدن و فرهنگ غرب بود، تمدن و فرهنگی که پس از «رنسانس» اروپایی و انقلاب علمی و صنعتی، بر پایه های «اومانیزم» منحنط غربی و تز جدایی دین از سیاست، بر رانه های فرهنگ و تمدن یونان و روم قدیم بوجود آمد، و انقلاب اسلامی که بارگشت انسان به هویت الهی و خویشتن اسلامی خویش بود، غرب را، هرچند به صورت انحصاری، اما سخت معارضه جویانه، رویاروی خود یافت و این امر با توجه به مبانی اعتقادی و ارزش های فکری و فرهنگی دو تفکر اجتناب ناپذیر می نمود.

در این تقابل و رویارویی فرهنگی - اقتصادی، راه های گوناگون تهدید، تخریب، ترور، تحریم اقتصادی، تشدید اختلاف درونی، جنگ داخلی، تحمیل و تجهیز جنگ هشت ساله و نهایتاً، حتی رویارویی مستقیم با انقلاب اسلامی، یکی پس از دیگری سازمان داده شد، لیکن پایان جنگ و تهاجم همه جانبه نظامی نه تنها ناکامی و پریشانی غرب را درمان نکرد که آن را تشدید نمود، و بهر تقدیر این حسرت و حرمان، در عرصه های مختلف پس از جنگ ادامه یافت، نوشته اند: سلمان رشدی به هنگام تحویل دست نویس کتابش به ادوارد سعید گفته بود:

«این کتاب مسلمانان را به لرزه در می آورد!»

راستی هم چنین بود، اما در پناه فتوای رهبر کبیر و روح بیدارانقلاب و وحدت و بیداری امت اسلام آن لرزه بر تمدن و فرهنگ غرب افتاد که هنوز هم پایان نیافته است. این نظریه که برخی اندیشمندان، وجهه‌ی فرهنگی انقلاب اسلامی را بر وجوه دیگر آن غالب می‌دانسته‌اند برای بسیاری در مظان تردید بود اما دیر زمانی نگذشت که گستره انقلاب اسلامی مرزهای جغرافیای کشور را در نوردید و تا اعماق جان ملت‌های تحت سلطه نفوذ کرد، نیزش های فراوانی که در گوشه و کنار دنیا با فاصله کوتاهی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شاهد بوده ایم، به اقرار محافل سیاسی خارجی الهام گرفته از انقلاب مقدسی بود که با اصول مبارزاتی شناخته شده سال های دهه شصت و هفتاد در اردوگاه سوسیالیسم و کمونیسم هنجارهای خود را نهادینه نداشت.

دشمنان انقلاب که از تسلط مجدد بر ایران ناامید بودند، اقدامات خود را بر این اصل استوار کردند که جمهوری اسلامی را در حل با مشکلات عدیده ای مواجه نمایند. گرچه تحمیل جنگ، ناآرامی های داخلی و تنش های اقتصادی، هدف دشمن را تا حدی تحقق بخشید اما استکبار در مورد یک نکته اصلی تعاف می کرد و آن اینکه انقلاب اسلامی تئوری و اندیشه جدیدی بنام «دین مداری» را در حرکت جهان منقوش ساخت. پیش از آندین صرفا در چنبره رفتارهای شخصی تعریف می گردید. تفکر منزوی کردن دین که اتفاقا از نقاط اشتراک سوسیالیسم و کاپیتالیسم به حساب می آید در جهان رایج می شد.

پشتوانه این تفکر دین مداری، حرکت مستمر اصلاح دینی از سید جمال الدین اسد آبادی تا امام راحل (ره) است، امامی که با انقلاب مبتنی بر فرهنگ، ارزش های دین، بیش از پیش از آن که خط بطلانی بر تز «جدایی دین از سیاست» بکشد، نقشی سترگ در احیای اندیشه دینی و خدا باوری، حتی در میان مسیحیان ایفا کرد و اندک نیستند، اندیشمندان یا حتی سیاستمداران غربی که افتخار و غرور خود را نسبت به بازگشت احساس دینی، بدنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نتوانسته اند کتمان کنند.